



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

تاریخچهٔ تئاتر در تبریز

نوشته امیر علیزادگان

مقدمه:

«تاریخچه تئاتر تبریز را با این امید آغاز می‌کنیم که توانسته باشیم گوشه‌هایی از تلاش هنرمندان تئاتر این مرز و بوم را پیش روی خوانندگان علاقه‌مند قرار دهیم.

تئاتر در تبریز حاصل مطالعات چندین‌ساله راقم این مسطور است که در اختیار «فصلنامه تئاتر» قرار گرفت. این پژوهش در پنج بخش و به شرح زیر به نظر خوانندگان خواهد رسید:

۱- بخش اول: زمینه

الف: تاریخچه تئاتر در تبریز از ابتدا تا ۱۲۹۹ شمسی

ب: تاریخچه تئاتر در تبریز از ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۴ شمسی

پ: تاریخچه تئاتر در تبریز از ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۵ شمسی (دوره حکومت فرقه دمکرات آذربایجان)

ت: تاریخچه تئاتر در تبریز از ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۷ شمسی

۲- بخش دوم: زبان در تئاتر تبریز

۳- بخش سوم: سانسور در تئاتر تبریز

۴- بخش چهارم: ادبیات نمایشی در آذربایجان

۵- بخش پنجم: سالن‌های تئاتر در تبریز

فصل اول - بخش اول

تاریخچه تئاتر در تبریز

زمینه

گسترش و نفوذ سیاستهای امپراتوری دولتهای تازه به قدرت رسیده اروپا، توسعه طلبی تزارهای روسیه در شمال ایران به صورت مسابقه‌ای خطرناک برای دستیابی هرچه سریع‌تر به آب‌های گرم هند درآمده بود. جنگ‌هایی که توسط استعمارگران اروپائی و همچنین روسیه تزاری آفریخته شده بود، منجر به جدائی بخش‌هایی از ایران گردید. بخش‌های جدا شده پیش از بروز جنگ‌های ایران و روس جزئی از سرزمین ایران به‌شمار می‌آمد، پس از شکستهای نظامی سنگین قشون ایران که به دستگیری و نقشه مشترک انگلیس و دیگر کشورهای خارجی حاصل شد. دو معاهده گلستان - منعقد در گلستان قره‌باغ، و ترکمانچای - منعقد در ترکمانچای آذربایجان ایران - توسط امپراطوریهای بزرگ بر دولت وقت و ملت ایران، به‌ویژه مردم آذربایجان تحمیل گردید که به موجب اولین معاهده، بخش بزرگی از سرزمین قفقاز به روسیه ملحق شد و براساس دومین معاهده مرز فعلی ایران و شوروی تعیین گشت. اما نتایج این دو عهدنامه نتوانست عامل جدائی مردمان دو سوی رود ارس باشد. مردمان ساکن هر دو آذربایجان و گرجستان و ارمنستان علیرغم برخورد‌های تحریک‌آمیزی که با هم در طول سالها همجواری داشته‌اند، همواره تاریخ مشترک دیرینه خود را دارند. آذربایجانیان، ارمنه و گرجیان ریشه‌های مشترکی در زمینه مسائل عاطفی، خانوادگی، فرهنگی و قومی یکدیگر داشتند که جدائی سیاسی بهیچوجه قدرت خشکابندن این ریشه‌ها را ندارد. هنوز پیرمردان و پسران آذربایجانی به یاد دارند که به علت ناامنی راه خراسان و قتل و غارت مسافران، همه‌ساله از راه باکو، زوار را به زیارت می‌فرستادند.

مدارس به شیوه اروپائی در گرجستان، باکو، تفلیس و ایروان همواره مرکز علمی و فرهنگی بودند که آذربایجانیان ایران فرزندان خود را روانه آن دیار می‌کردند. و چه بسیار بودند کسانی که هنگام بازگشت بوطن همراه با افکار نو و متمدنی بازمی‌گشتند. بیشتر شهرهای نفت‌خیز و صنعتی قفقاز پناهگاه مردمی بود که زیر فشار و بیکاری و تنگدستی بودند و ایرانیان آذربایجانی که ستم دولت مرکزی را پس از مرزبندی جدید احساس کردند، بیش از پیش به قفقاز و کار در معادن و کارخانه‌ها و تأسیسات صنعتی آنجا رغبت نشان دادند. وضع ناپسندان دولت قاجار در مرکز، عدم امنیت منطقه، ظلم و ستم بی‌حد حکام در ولایات و به‌ویژه ستم مضاعفی که مردم آذربایجان به یمن ولیعهد متحمل می‌شد، به صورتی روزافزون بیکاری، تنگدستی، و درگیری روستائیان و طبقات خرده‌پای تهیدست شهری را آشکار می‌کرد. و این‌گروهها نیز آخرین چاره را برای زنده ماندن در مهاجرت به آنسوی ارس و یا بقولی در وطن دومشان می‌دانستند. ناگفته پیداست این افراد که دائم در رفت و آمد بین ایران و ماورای قفقاز بودند، جریان ژرف و عظیمی از مبادله فرهنگی و فکری را با خود و بدنبال خود پدید می‌آوردند. بخصوص اگر توجه داشته باشیم که روسیه خود در جریان فرهنگ‌پذیری از اروپا بود. آذربایجان روسیه، ارمنستان و گرجستان نیز از چنین تأثیری بدور نمانده و پدیده‌های تازه آنرا در مظاهر مختلف زندگی مردمان خود نمایان می‌کرد و طبیعی است که به مهاجران و مسافران نیز منتقل می‌شده است. و مهمتر از این مسافرانی که پس از اندوختن پول، آهنگ یاز و دیار می‌کردند، همه در بازگشت حاملان فرهنگ نوین و جدیدی بودند که در آنسوی دیده، شناخته و یا بدان خو کرده بودند. و اینها همه زمینه را برای پذیرش و درک ضرورت‌های بنیادی و تغییر و تحولات اجتماعی در آذربایجان ایران آماده می‌ساخت تا ارتباطات غنی فرهنگی، هنری و فکری پدیدار شود و نیز زمینه را برای اندیشمندان که پا به میدان آموزش مردمان تشنه به آگاهی نهاده بودند آماده‌سازد. با توجه به آمد و شدهای مسافران در قبل از مشروطیت ایران و بعد از آن می‌توان ذکر کرد که علاوه بر حرکات و جریانهای فکری که به دلیل انتقالات عادی گروههای بزرگی از مردم انجام می‌گرفت، نویسندگان و به ویژه قلم‌زنان مطبوعات نقش چشمگیری در انتقال فرهنگ جدید و از آن رهگذر ضرورتهای اجتماعی و بیداری و آگاهی مردم ایفا کردند و این نقش بدون در نظر گرفتن ستم ملی و مسائل ناشی از آن نظیر زبان و برخورد ملیت‌ها چندان برجسته نخواهد بود. آذربایجان ولیعهد نشین از اوان سلطنت قاجار مورد توجه سیاستمداران و روشنفکران و مدافعین مردم این دیار بوده است. این منطقه در داد و ستد و مبادلات فرهنگی و سیاسی و اخذ آگاهی، به علت موقعیت خاص جغرافیائی، قومی و تاریخی خود، نسبت به دیگر نقاط ایران امکانات بیشتری داشته است. جنبش مشروطیت ایران و قیام و مقاومت دلیرانه تبریز اوج این حرکت است، و حتی حرکت روشنفکران ساکن آنسوی ارس به آذربایجان جنوبی، چه در اوج

نهضت مشروطیت و چه بعد از آن تأثیر بسیار در پدیده آوردن زمینه مناسب برای تحولی فرهنگی بود. نشریات، کتابها، شبنامه‌ها، گروههای فرهنگی، اشعار، مقالات سیاسی، تبلیغی و تهییجی، اشاعه فرهنگ جدید و یاری رساندن به مردم آذربایجان جنوبی بخصوص تبریز جریانی فرهنگی را به وجود می‌آورد. نمونه‌های بارز آن را در روزنامه‌های معروف آن زمان از جمله ملا نصرالدین و اعلامیه‌های فرقه اجتماعیهون عامیون و گسیل گروههای فرهنگی، موسیقی و تئاتر، جهت اجرای برنامه‌های متنوع و معرفی آثار نویسندگان روسی و اروپا به ایرانیان مخصوصاً آذربایجانیان می‌توان یافت.

* * *

ظهور

در يك بررسی کلی این مسأله به وضوح روشن می‌شود که ریشه فعالیت‌های تئاتر تبریز بیرون و در خارج از کشور قرار داشت و نزدیکی فرهنگی و قومی و همجواری آذربایجان ایران با آن طرف رود ارس زمینه را برای ظهور تئاتر تبریز مساعد می‌کرد که هنرمندان تئاتر آذربایجان شمالی نمایشنامه‌هایی در این سوی ارس اجرا کنند. یادداشتی که در زیر می‌آید حکایت از اجرای نمایشنامه اتللو نوشته ویلیام شکسپیر در تبریز می‌کند. بدیهی است این اجرا و اجراهای دیگر می‌تواند معلول عوامل سیاسی، تاریخی و فرهنگی دوران قبل از مشروطیت در ایران باشد که بدون شناخت آن عوامل نمی‌توان علت اجرای این نمایشنامه را در تبریز جدی گرفت.

در یادداشت ارائه شده همچنین دیده می‌شود که يك کمدهی نیز همراه نمایشنامه اتللو به زبان ترکی آذری اجرا شده است. اما نامی از کمدهی در یادداشت دیده نمی‌شود. قسمتی از یادداشت مزبور را با عنوان «کاغذ از تبریز» نقل می‌کنیم تا به تجزیه و تحلیل آن بپره‌اژیم:

«جماعت آرامنه چند سال است در زیر سایه مرحمت اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاه ایران و از توجهات بلند حضرت مستطاب اشرف امجد ارفع والا ولیعهد صاحب اختیار مملکت آذربایجان در حیاط مکتب ملتی آرامنه، تسوی قلعه سالن مخصوصی درست کرده و هر سال دو سه بار در آنجا اسباب تیاتر فراهم آورده، منابع آن را به مخارج مکتب مذکور می‌رسانند. امسال نیز مسیو صفرازیان نامی از ملت آرامنه و در عمل تیاتر دارای مهارت تمام است با زن خود و دیگر عملجات از مملکت روس وارد تبریز شده شب ششم ماه ربیع‌الاولی مجلس تیاتری در نهایت خوبی فراهم آورده. درام اوتیللو شکسپیر را که از درامهای مشهور است و يك کومیدئی بامزه نیز به لغت ترکی داده شد که زیاده بر آنچه تصور است موجب انبساط خاطر حضار با احترام گردید. شب تیاتر بندگان حضرت مستطاب اجل‌اکرم آقای امیرنظام مد ظله‌العالی که پیوسته همت بلندشان مستحضر به ترقی تمدن و معارف و سیویلزاسیون مملکت است با بسیاری از بزرگان و خوانین معظمه ولایت

تشریف‌فرمای تیاتر شده از فراهم آوردن مجلس تیاتر اظهار خوشنودی و مباشرین تیاتر را مورد نوازش داشته مبلغ هفتاد تومان به رسم انعام به مکتب مذکور و دو لاقه شال نیز به مسیو صفرازیان و زرش و یک طاقه شال هم به مباشر تیاتر مرحمت فرمودند.

باری مسیو صفرازیان خیال دارد که دو سه بازی دیگر در تیاتر مذکور به موقع تماشا بگذارد و در پی فراهم آوردن اسباب آن است. از قراری که مذکور میداشت گفتگوی مجالس بازی، خواه درام و خواه کومیدی به لغت ترکی که زبان مادرزاد اهالی آذربایجان است خواهد بود که تمامی حضار محترم را از موضوع و محمول مطلب آگاهی حاصل باشد.»^۲

امضای نویسنده نامه - یکی از بندگان خدا

تاریخ ۲۳ ربیع‌الآخر ۱۳۰۶ برابر ۲۶ دسامبر ۱۸۸۸ میلادی

در تجزیه و تحلیل این یادداشت مطالب زیر قایل تأمل و تعمق است:

۱- یادداشت تعیین می‌کند قبل از اجرای نمایشنامه اتللو در سال ۱۸۸۸ میلادی نمایشنامه‌های دیگری نیز توسط آرامنه در تبریز اجرا می‌شده است که ما از کم و کیف اجرای آنها بی‌اطلاع هستیم ولی از محتوای یادداشت معلوم می‌شود که قبل از ۱۸۸۸ م تئاتر توسط آرامنه در تبریز وجود داشته و همین پشتوانه فرهنگی و هنری سبب شده است که نمایشنامه‌های چون اتللو در تبریز اجرا شود.

۲- یادداشت فوق مورد دیگری را نیز بر ما معلوم می‌کند، و آن اینکه در سالن «قلعه»^۴ امکان اجرای نمایشنامه‌های سنگین با تعداد زیاد بازیگران وجود داشته‌است که نمایشنامه اتللو در آن سالن اجرا می‌شود.

۳- اجرای نمایشنامه اتللو توسط مسیو صفرازیان در تبریز بدون بازیگر زن و بازی زنان به هیچ وجه امکان نداشت. این اجرا و دیگر آثاری که توسط هنرمندان قفقازی در شهر تبریز اجرا می‌شده است، این مهم را روشن می‌سازد که هنرمندان زن علیه سنن اجتماعی آندوره که پذیرش به صحنه رفتن آنان را نداشتند، شجاعت نشان داده و علیه برخی تصورات و تفکرات ایستا به مبارزه برخاسته‌است. البته ناگفته نباید گذاشت که نقشی زنان را در این دوره و دوره‌های بعد، عمدتاً بازیگران و هنرمندان آرامنه ایفا می‌نموده‌اند.

۴- بدون شك هنرمندان تئاتری که از قفقاز وارد تبریز می‌شدند، آگاهی دست‌اندرکاران محلی و علاقمندان به تئاتر را از نظر محتوا و تکنیک به صحنه بردن نمایش بالا می‌بردند، به‌طوریکه تئاتر روسیه از تئاتر اروپائی تأثیر پذیرفت و آن تأثیر به تئاتر تفلیس انتقال یافت، همانگونه نیز تئاتر تبریز از تئاتر تفلیس متأثر گردید.

۵- در قسمتی از یادداشت آمده است «... امسال نیز مسیو صفرازیان نامی از ملت آرامنه و در عمل تیاتر دارای مهارت تمام است... از مملکت روس وارد تبریز شده ... درام او اتللو ... به لغت ارمنی ... و در ختام درام، کومیدی بسیار

بامزه به لغت ترکی داده شد... اجرای نمایشنامه کمدهی به زبان ترکی بیانگر آنست که بازیگران به زبان ترکی آشنائی داشته‌اند و منظور از کلمه روس همان نواحی ارمنستان و قفقاز است که بازیگران به زبان ترکی که همانا ترکی آذری است آشنائی کامل داشته‌اند.

دومین سند تاریخ تئاتر تبریز يك کتابچه بیست‌صفحه‌ای تحت عنوان «به مناسبت جشن چهلمین سال نمایش در تبریز» است که از طرف هیئت هنرپیشگان درام و اپرت فردوسی تبریز در مهرماه سال ۱۳۲۱ شمسی برابر با سال ۱۹۴۲ میلادی به چاپ رسیده است. محتوای کتابچه فوق شامل شرح‌حال بازیگران و دست‌اندرکاران درام و اپرت فردوسی است. سند اول (کاغذ از تبریز) اجرای نمایشنامه اتلو را سال ۱۸۸۸ میلادی ذکر می‌کند، سند دوم که به مناسبت جشن چهلمین‌سال‌نمایش در تبریز به چاپ رسیده سال ۱۹۴۲ میلادی را قید می‌کند. اگرچنانچه از تاریخ ذکر شده در سند دوم چهل سال به عقب برگردیم سال ۱۹۰۲ میلادی را داریم که می‌توان آنرا آغاز فعالیت‌های نمایشی در تبریز دانست. با مقایسه دو سند، شاهد چهارده سال خلاء در تئاتر تبریز هستیم، گرچه اسناد و مدارک موثقی از چگونگی فعالیت‌های نمایشی چهارده سال یعنی از سال ۱۸۸۸ تا ۱۹۰۲ میلادی در دست نداریم اما با توجه به فعالیت‌های هنری ارامنه و نمایشنامه‌هایی که از آن‌سوی ارس وارد تبریز می‌شد، تئاتر در این مدت رونقی داشته است. همچنین جعفر اخگری در مقاله‌ای می‌نویسد: «نخستین تئاتر حرفه‌ای در آذربایجان جنوبی در سال ۱۹۰۹ میلادی ایجاد شد. در تبریز در سالن تابستانی باغ ملی ۵ به افتخار ستارخان و مبارزه مجاهدان مشروطه نمایش داده شد.»^۶

مقاله جعفروف این‌مسئله را روشن می‌کند که تئاتر حرفه‌ای تبریز در سال ۱۹۰۹ میلادی شکل گرفته است. پیداست قبل از این تاریخ نیز فعالیت‌هایی در تبریز وجود داشته که حرفه‌ای نبوده و هنرمندان محلی به صورت غیرحرفه‌ای تحت تأثیر اجراهای آذربایجان شمالی و عثمانی، نمایش‌هایی به صحنه می‌بردند. در سال ۱۲۹۱ شمسی شاهد گردهم‌آیند چند نفر از افراد باذوق و روشنفکر هستیم؛ این افراد در همین سال به جهت ضرورت‌های اجتماعی يك هیئت آکتورال^۷ بنام «خیریه» را تأسیس می‌کنند. لازم به یادآوری است افراد این «آکتورال» قبلاً نیز در زمینه تئاتر تجربیاتی کسب نموده بودند، حتی قبل از اینکه آکتورال خیریه را تشکیل دهند و در چندین اجرای هنرمندان قفقازی در تبریز شرکت کرده بودند. آکتورال خیریه اولین گروهی است که رسماً با گردهم‌آیند هنرمندان و روشنفکران محلی تشکیل و آغاز به فعالیت می‌کند. مؤسسين آکتورال خیریه عبارتند از:

۱- حاجی‌خان چلبی

۲- مهدی شفیع‌زاده

۳- ابوالفضل مؤیدزاده

۴- اسماعیل وکیلی

۵- وهابزاده.

۶- عظیمزاده.

پس از تشکیل آکتورال خیریه نمایشنامه‌ها به‌طور مرتب از سوی این هنرمندان در محل سینما «سولی» یا صحنه تابلستانی خیریه به معرض تماشا گذاشته می‌شود.

بعد از تشکیل خیریه، آکتورال تبریز بوجود می‌آید. این گروه در سال ۱۲۹۶ شمسی تشکیل می‌شوند. آکتورال تبریز تحت نظارت و سرپرستی رضاقلی‌زاده معروفه به «شرقلی» فعالیت می‌کرد. در خلال سالهاییکه آکتورال تبریز به فعالیت مشغول بود آکتورال دیگری نیز از ارمنه تبریز به سرپرستی و نظارت مسیو مگردیچ طاشچیان* و با همکاری سایر ارمنه از جمله همسر وی تأسیس می‌شود. اغلب دو گروه با یکدیگر همکاری صمیمانه و نزدیک داشته‌اند و مشکلات زمانه خود را به یاری یکدیگر حل می‌کردند. در ادامه فعالیت گروههای تئاتری تبریز تا پایان سال ۱۲۹۹ شمسی از اعلان‌هاییکه به عنوان آگهی در روزنامه‌های آندوره به چاپ رسیده‌اند، کمک می‌گیریم تا مطالبان سیر منطقی خود را حفظ نموده و نگارش تاریخچه تئاتر تبریز مبتنی بر اسناد باشد. این اعلان‌ها و همچنین مطالب دیگر تئاتری که در روزنامه‌های آندوره به چاپ رسیده‌اند همگی در بررسی تاریخچه تئاتر تبریز کمک فراوانی می‌کنند.

با مراجعه به روزنامه تجده ارگان حزب دموکرات آذربایجان، شماره ۴۵ تاریخ پنجشنبه ۱۶ ذیحجه الحرام ۱۳۳۵ مطابق با چهارم اکتبر ۱۹۱۷ میلادی این خیر به چشم می‌خورد: «به منقعت حریق‌زدگان ارومی در صحنه آرامیان به اشتراك آرتیست‌های مسلمین تقلیس نمایش کاوه آهنگر به‌موقع تماشا گذاشته خواهد شد. ارباب همت را به اشتراك این نمایش تشویق می‌نمائیم».

اعلان بالا سند دیگریست که نشان می‌دهد، گروههای تئاتری آذربایجان شمالی، چه قبل از مشروطیت و چه بعد از اعلام آن، همزمان با فعالیت سوسیال دموکراتهای قفقازی، فعالیت تئاتری خود را در تبریز گسترش داده‌اند.

دومین خبر از روزنامه تجده بدین شرح چاپ شده است:

«تیاطر آرامیان ۵شنبه ۱۲ دکلیر ۱۹۱۷ مصأف با ۱۹ ربیع‌الاول ۱۳۳۶ تشکیل شد. نمایش به منقعت فقراى مسلمین شهر تبریز بود»
خبر پائین از همکاری یکی از کارگردانان قفقازی با دست‌اندرکاران تئاتر تبریز حکایت می‌کند:۱۰:

«شب جمعه ۲۶ شوال‌الکرم در صحنه جمعیت خیریه که به تازگی برای رفع نواقص اوپرا سققش پوشیده شده است بهترین نمایشهای عاشقانه تاریخی و ادبی عالم از طرف آفتورهای درآماتیک خیریه در تحت رژیم سوری، رژیم سوری نامی قفقاز

جناب صدقی روح‌الله آرتیست اوپرای مشهور لیلی و مجنون به موقع تماشا گذاشته خواهد شد.»

روزنامه تبریز بعد از سه روز در ارتباط با اجرای فوق‌اعلانی دیگر بدین مضمون چاپ کرده است:

«لیلی و مجنون در شش پرده از شاعر شهید ترک فضولی که موسیقی آن از عزیز حاجی‌بیکوف است شب جمعه ۲۶ شوال در صحنه خیریه از طرف هیئت آفتورهای خیریه در تحت رئیسی جناب صدقی روح‌الله ۱۱ به موقع تماشا گذاشته خواهد شد» ۱۲

با نقل پنجمین اعلان تئاتر از روزنامه تجدد پی بوجود گروه دیگری بنام «هیئت نشر صنایع» می‌بریم: ۱۳:

«... نمایش شب شنبه ۱۰ ذیحجه ۱۳۳۷ در صحنه آرامیان بهترین نمایشهای ادبی عالم اوپرای مشهور عاشقانه اصلی و کرم به منفعت مدرسه جدیدالتاسیس اناثیه در محله کوچه‌باغ. اولین دفعه‌ایست که در شهر تبریز این اوپرای عالی در شش پرده و چهار مجلس که موسیقی آن از عزیزبیک حاجی‌بیک اوف میباشد - با نیکوترین و جاذب‌ترین نغمات و الحاق موسیقی با لباسهای مخصوص شیک و قشنگ از طرف آفتورهای نشر صنایع به‌موقع تماشا گذاشته میشود بیشتر از چهل نفر اشتراک خواهند کرد.»

در ادامه فعالیت‌های تئاتر تبریز باید از آکتورالی بنام آذربایجان که قبل با نام تبریز فعالیت می‌کرد نام برد. در سال ۱۲۹۷ و اوایل ۱۲۹۸ شمسی آکتورال تبریز به سرپرستی رضاقلی‌زاده تغییر نام داده و با نام «آذربایجان» و با همکاری بیوک‌خان نخجوانی به اجرای نمایشنامه‌ها می‌پردازد. اعلان زیر یکی از نمایشنامه‌های اجرا شده از سوی این گروه را اعلام می‌کند: ۱۴:

«شب جمعه ۱۸ ربیع‌الاول ۱۳۳۸ از سوی دسته آرتیستهای دراماتیک آذربایجان بنا به تقاضای جمعی از معارف شهر به منفعت روزنامه تجدد در صحنه آرامیان نمایشنامه «مکافات یا خود سزای عمل» فاجعه در چهار پرده از رضاقلی‌زاده اگر مجدداً اعلان‌های درج‌شده در روزنامه تجدد را مرور کنیم عناوین زیر جلب نظر می‌کنند:

«نمایش به منفعت حریق‌زده‌گان»، «نمایش به منفعت روزنامه تجدد» یا «نمایش به منفعت فقراي مسلمان» و «به منفعت مدرسه جدیدالتاسیس اناثیه». عناوین نقل‌شده از آگهی‌ها این مهم را برای ما روشن می‌سازد که فعالان تئاتری با جامعه در ارتباط بوده و درآمد تئاترها در همان راه نیز خرج می‌شده است.

گزارش دیگری از روزنامه تجدد را نقل می‌کنیم که خبر از جمعیت جدید - التاسیس به نام «نشر معارف» می‌کند. جمعیت مذکور به سرپرستی شخصی به نام عبداللّه‌زاده اداره می‌شد. همان روزنامه از اجرای نمایشنامه «وطن» که توسط

گروه نشر معارف به روی صحنه آمده، يك «تحليل و تشریح سطحی» به چاپ رسانده که به ذکر قسمتی از آن می‌پردازیم:

«شب جمعه جمعیت جدیدالتأسیس نشر معارف يك نمایش قابل اعتناء و تقدیری داد. صنعتکاران جمعیت مذکوره فاجعه وطن را به موقع تماشا گذاشتند. این اثر از آن شاعر شهید عثمانی «نامق کمال‌بیک» می‌باشد. برای جلب قارئین محترم به قسمت ادبیة تماشای شب جمعه می‌رویم به يك تحلیل و تشریح سطحی اثر مذکور پرداخته بدینوسیله زحماتی را که برای تمثیل اثر مذکور صنعتکاران جوان نشر معارف بخود داده‌اند تا مشکور نگذاریم...» ۱۵

در بررسی تاریخ تئاتر تبریز در روزنامه تبریز به اعلان دیگری برخوردیم که حکایت از وجود گروهی دیگر با نام «امید ترقی» می‌کند. اعلان در شماره ۸۹ مورخه سه‌شنبه یکم ربیع‌الاول ۱۳۳۸ مطابق دوم قوس ۱۲۹۸ بشرح زیر چاپ شده است:

«شب جمعه از طرف هیئت امید ترقی در صحنه آرامیان اولین دفعه در این فصل به موقع تماشا گذاشته خواهد شد، تراژدی پرویزبیگ - یا خود - فداکار حریت در چهار پرده و با يك پرده مضحکه پرخنده. قیمت بلیط خیلی مناسب است، لوژ از ۶ تومان الی ۲ تومان پائین‌تر از ۲۰ قران الی ۴ قران، مدیر مسئول: ح. محمدزاده. رئیسور علی عزیززاده.»

مهمترین مسأله‌ای که در اعلان فوق به چشم می‌خورد بهای بلیط است که شصت ریال فروخته می‌شد؛ با توجه به زمان فروش و بهای بلیط علاقه مردم و باارزش بودن تئاتر در آندوره بر ما معلوم می‌گردد. لازم به تذکر است هزینه‌های تئاتر از ابتدا در تبریز بوسیله گردانندگان آکتورال‌ها و از محل فروش بلیط، که اکثراً بلیط‌های گران‌قیمت به وسیله فرهنگ‌دوستان آذربایجانی خریداری می‌شد، تأمین می‌گردید و تنها دوره‌ایکه تئاتر دولتی شد و بودجه مخصوص به خود را داشت و بازیگران آن حقوق‌بگیر دولت بوده‌اند، سالهای ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۵ شمسی بوده‌است. روزنامه تجدد در شماره ۱۷۹ اعلانی به مضمون زیر درج کرده که باز از فعالیت ارامنه تبریز در تئاتر خبر می‌دهد:

«شب جمعه ۶ حمل مطابق ۵ رجب‌المرجب ۱۳۳۸ از طرف هیئت محترم اکثرهای ارامنه در تحت اداره و نظارت بارون آواک، ملک ابراهیمیانس، شمس آردانزربیکیانس، سهراک ادانیانس، پیس موسوم به برای شرف در چهار پرده اثر الکساندر شروانزاده در صحنه آرامیان به شرف فرقه دمکرات ایران و فرقه دمکرات ارامنه به موقع تماشا گذاشته خواهد شد.»

خبر فوق، اولین خبر درباره فعالیت ارامنه تبریز در تئاتر نیست، ارامنه در بوجود آوردن تئاتر در شهر تبریز نقش بسیار مهمی به عهده داشته‌اند. لکن نبوده منابع موثق و مدارک کافی ما را از نوشتن فعالیت‌های تئاتری ارامنه بازمی‌دارد. در ادامه فعالیت‌های ذکرشده در تئاتر تبریز با فصل جدیدی روبرو می‌شویم. این

روز شنبه

۲۵ مهر ماه

۱۳۲۱



۱۷ آبان

۱۹۴۲

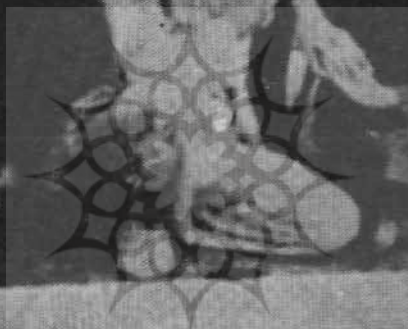
بهتاسبت جشن چهلمین سال

نمایش در شهر تبریز

از طرف هیئت هنرپیشه گان درام و مآو پرت

(فردوسی) تبریز

بهاء پنج ریال



مؤسسان و هیئت مدیران
 اولین رستوران خیریه در تبریز
 ۱- جلیلی - ۲- مؤیدزاده - ۳- مهدی شفیع
 ۴- وکیلی - ۵- وهاب زاده - ۶- عظیم زاده - ۷- ...

اولین مؤسسان جمعیت خیریه در تبریز ۱- جلیلی، ۲- مؤیدزاده، ۳- مهدی شفیع، ۴- وکیلی، ۵- وهاب زاده، ۶- عظیم زاده.

فصل با اجرای نمایشنامه‌هایی از سوی کمیته ایالتی حزب دموکرات آذربایجان که در رأس آن افراد مبارزی چون شیخ محمد خیابانی و تقی رفعت قرار داشته‌اند، آغاز می‌گردد. این فصل را بدان جهت جدید می‌نامیم که یک تشکیلات سیاسی در عرصه مبارزاتی خود به تئاتر نیز نیم‌نگاهی دارد. حزب دموکرات آذربایجان در عرصه مبارزاتی خود، شکل فعالیت و همچنین تهییج نمودن مردم را تنها از طریق روزنامه، اعلامیه و سخنرانیها کافی ندیده، به تئاتر نیز نظری داشته است. حال فعالیت تئاتری حزب دموکرات آذربایجان را عیناً از روزنامه تجدد، ارگان خود حزب، نقل می‌کنیم:

«شب ۱۴ ماه که مصادف با روز افتتاح دارالشوری ملی بود، تجدد، مجمع فرقه دموکرات ایران، آذربایجان، آن مرکز اجتماع آزادی و حاکمیت ملت، قبل از همه پانزدهمین جشن افتتاح پارلمان را تجدید کرده و آئین‌پندی باشکوهی بعمل آورد. پس از آن نسیم لطیف و روح افزای حریت در سرتاسر شهر به اهتزاز درآمده احساسات اهالی را، که در تحت فشار ظالمانه مکرم‌الملک‌ها و جلال‌لشکرها افسرده شده بود، مجدداً بیدار ساخته به چراغانی بازار و دکاکین قیام و جشن استقرار مشروطیت را برپا داشتند.»

در ادامه مطلب در صفحه دوم همان روزنامه می‌خوانیم:

«... یک اثر تجدد در عالم تئاتر ۱۶ - در شب چهاردهم ماه جاری دمکراتهای تبریز در عالم تئاتر اولین قدم تجددخواهانه را پیش گذاشته، در این اولین دفعه، یک موفقیت شایان قید و تذکار و یک کامیابی قابل تقدیر و تقدیس را نائل گردیدند. در شب مذکور یک اثر جدید، یک پیس تازه، از طرف آکتور و آکتریس‌های قابل، با یک جدیت و اهتمام کافی به منفعت جریده تجدد به صحنه تماشنا گذاشته شد در حالتی که عموم تماشاگران، منحصرأ از افراد فرقه دموکرات و تشکیلات تبریز بودند، در یک محوطه خصوصی و یک محیط صمیمی این نمایش صنعتی و تماشای عبرت‌آمیز موجد بهترین تجسبات و مولد عالی‌ترین تأثرات واقع شد. این حادثه که هم حائز یک جنبه صنعتی و ادبی و هم دارای یک جهت اجتماعی و مفکور وی بود، در صحنه مخصوص جمعیت محترمه «خیریه» بوقوع آمد و گذران یافت. سالون خیریه با افراد تشکیلات فرقه دمکرات که در خریدن بلیطهای تئاتر در حوزه‌ها به همدیگر سبقت بسته در این زمینه یک نوع حرارت و جدیت صادقیانه و شایسته تبریک و تمجیدی را به بروز رسانیده بودند.»

نویسنده این گزارش در پایان مطلب خود می‌نویسد:

«چنانچه در اول سطرها اشاره به آن کردیم، این نمایش خصوصیتی داشت و فقط به افراد فرقه دموکرات تنها منحصر بود. بنابراین در میان دو پسرده مدیر محترم روزنامه تجدد با بیاناتی موافق این نکته را شرح و بسط دادند و مدیر محترم ما درباره تئاتر، این شکل ثالث تبلیغات تجددخواهانه اشاره کرد و نظریات اساسیه فرقه را راجع به کیفیت و شرائط اینگونه نمایشها احراز نمود. نمایش دمکراتیک

شب چهاردهم از هر حیث يك نمایش موفقانه و يك ابتدا و آغازی بود که با يك کامیابی فوری وصول بر يك موفقیت کاملتر و شامل‌تری را نوید می‌داد...۱۷۰۰

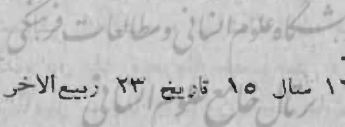
ادامه فعالیت تئاتری حزب دمکرات آذربایجان را با نقل اعلان دیگر به پایان می‌بریم:

«شب جمعه ۳ ثور ۱۲۹۹ شمسی مطابق ۳ شعبان ۱۳۲۸ هجری در تحت نظارت و مساعدت فرقه مقدسه دموکرات تبریز از طرف آرتیستهای مشهور دراماتیک آذربایجان پیس مشهور «نادرشاه» دراما چهار مجلسی هفت‌پرده اثر نریمان نریمانف به منفعت «روزنامه برجیس» ۱۸ بموقع تماشا گذاشته خواهد شد. بلیط افتخاری برای آقایان آزادی‌خواه فرستاده خواهد شد. این اعلان آخرین سند ما از فعالیت دست‌اندرکاران و گروههای تئاتر تبریز تا پایان سال ۱۲۹۹ شمسی یعنی چند ماه قبل از کودتای رضاشاه پہلوی بوده است. به این ترتیب تاریخ فعالیت تئاتر تبریز و گروههای موجود از ابتدا تا ۱۲۹۹ شمسی پایان می‌رسد.

(پایان بخش اول از فصل اول)

یادداشتها:

۱- بدون شك تأثیر و نقش هنرمندان و نمایشنامه‌های عثمانی را در آشناساختن هنرمندان تبریز با ادبیات عثمانی و اروپائی و همچنین تکنیک به صحنه بردن نمایش، نباید از یاد برد. اما عمده تأثیر را هنرمندان آذربایجان شمالی در تئاتر تبریز گذاشتند و آن به جهت هنر زبان بودن مردمان هر دو آذربایجان و آشنا بودن زبان‌نمایشی در ادبیات نمایشی آذربایجان شمالی برای مردم تبریز بوده است.



۲- Civilization = تمدن.

۳- روزنامه اختر - شماره ۱۶ سال ۱۵ تاریخ ۲۳ ربیع‌الآخر ۱۳۰۶-۲۶ دسامبر ۱۸۸۸ میلادی.

۴- این سالن کجا، کی و توسط چه کسی و با چه امکاناتی ساخته شده بود پر ما معلوم نیست، احتمالاً سالن قلعه را در محله قلعه‌بیکگی که آرامنه در آنجا سکونت‌دارند ساخته‌بوده‌اند.

۵- درباره سالنهای تئاتر تبریز در يك فرصت دیگر صحبت خواهیم کرد.

۶- این مقاله توسط صمد بهرنگی از ترکی آذربایجان به فارسی برگردان شده است. نویسنده مقاله جعفر جعفرزاده از نویسندگان آذربایجان شوروی است که صمد بهرنگی به‌علت فشار سانسور نام جعفر اخگری را برگزیده است.

۷- آکتورال به مفهوم «جمعیت تئاتری» و «گروه تئاتری» بود.

* درباره این هنرمند که در روزگار خود از احترام خاص برخوردار بود و بیش از همه به فن و تکنیک تئاتر آگاهی داشت، یحیی آربین‌پور در کتاب «از صبا تا نیما» چنین می‌نویسد:

«از هنرمندان آذربایجان که در راه پیشرفت فن نمایش و شناساندن آن به ایرانیان رنج فراوان بردند و به سختی و بیچارگی مردند باید مخصوص از چند نفر نام برد که نخستین آنها کارگردان و بازیگر معروف «مکریدی طاشمچیان» بود که از روسیه به ایران آمد و

سالها نمایشنامه‌های معروفی مانند «اتللو» اثر شکسپیر «کوردو» اثر کاپریل و «تریو» در راه تئاتر درام در پنج پرده اقتباس از رومان فرانسوا کوپه، کدام یک از دو؟ تراژدی زندگانی شوالیه‌های نو. مان تالیف دوخ بانکو، هزار و یک مکر زنان اقتباس از داستانهای هزار و یکشب، مترجم زبان انگلیس کمدی در یک پرده، افسانه در یک تابلو و چند نمایشنامه دیگر را به زبان ارمنی و هم ترجمه آنها را به زبان آذربایجانی به معرض نمایش گذاشت.

لازم به یادآوری است نمایشنامه‌های خارجی اجراء شده در زمان فعالیت طاشچیان بوسیله یحیی آرزین‌پور که خود فعالیت تئاتری در تبریز داشت، ترجمه میشد. آفیشی در اسناد و مدارک مرحوم محمدعلی رشدی به این مضمون یافت شد:

«کدام یک از دو؟ فاجعه تاریخی از وقایع محمد سلطان صلاح‌الدین ایوبی - در دو پرده - ترجمه‌ی آرزین‌پور - مدیر مسئول - ی - آرزین‌پور. رژیسور. م، طاشچیان. شب جمعه ۲۱ مرداد ماه ۱۳۱۱ از طرف آرتیست، رژیسور، مشهور و نامی، طاشچیان که پس از چهار سال به شهر تبریز مراجعت کرده است با اشتراک مادام طاشچیان - و آر آهارونیان.»

۸- هر جا کلمه اعلان دیده می‌شود منظور «آگهی تئاتر» است که در روزنامه‌های آندوره به‌عنوان تبلیغ جهت دیدن تئاتر چاپ می‌شد.

۹- روزنامه تجدد شماره ۶۲ - ۱۸ ربیع‌الاول ۱۳۳۶ - ۲۰ دکانبر ۱۹۱۷ میلادی.

۱۰- روزنامه تجدد شماره ۱۳۷ - سرطان ۱۲۹۸ - ۲۴ شوال ۱۳۳۷.

۱۱- در همان روزنامه به اعلان دیگری برخوردیم از کار این کارگردان. بدین شرح: «شب جمعه ۱۱ ذیقعد تئاتر «جهالت یا خود هاتقدن برندا» با یک پرده مضحکه پر خنده از طرف آکتورهای دراماتیک خیریه در تحت رژیسور نامی قفقاز آرتیست صدقی روح‌الله در صحنه حیریه برای تسکین صحنه به موقع تماشا گذاشته خواهد شد.»

۱۲- روزنامه تبریز شماره ۴۵ نمره مسلسل ۲۰۴ یکشنبه ۲۱ شوال‌الکرم ۱۳۳۷ مطابق ۲۸ سرطان ۱۲۹۸.

۱۳- روزنامه تجدد شماره ۱۴۷ سفیله ۱۲۹۸ - ۳۰ ذیقعد ۱۳۳۷ - ۲۷ اوت ۱۹۱۹ میلادی.

۱۴- روزنامه تجدد شماره ۱۶۵ - قوس ۱۲۹۸ - ۹ ربیع‌الاول ۱۳۳۷ - ۳ دسامبر ۱۹۱۹ میلادی.

۱۵- روزنامه تجدد شماره ۱۶۶ - ۱۸ قوس ۱۲۹۸ - ۱۷ ربیع‌الاول ۱۳۳۸ - ۱۱ دسامبر ۱۹۱۹ میلادی.

۱۶- نمایشنامه اجرا شده اپرت «یالنان ایولنمک» یا «ازدواج دروغی» بود.

۱۷- روزنامه تجدد شماره ۱۷۸ چهارشنبه ۲۰ حوت ۱۲۹۸ - ۱۱ مارس ۱۹۲۰ میلادی.

۱۸- مجله برجیس در تبریز منتشر می‌شد. مدیر مسئول و مؤسس آن مصورالسلطان، اسدالله شریف رازی بودند.